

نیلوفر نیایش

نویسنده : حسین سیدی

به مناسبت هفدهم آذرماه سال روز شهادت امام سجاد(ع)

قرآن خوانی

قرآن، دعوت نامه ی محبت است برای بنده ی گریزپا.

نشانی خانه ی دوست است برای انسان ره گم کرده ی تاریخ.

مرهم زخم های روح است.

آرامش پیکر خسته از دویدن در جاده های بی انتهای آ است.

و امام چنان با آن مأنوس بود که می فرمود: «اگر همه ی مردم چشم از جهان فرو بندند [و من تنهای تنها شوم]،

اگر قرآن با من باشد، هیچ وحشتی ندارم.» ۱

برای بیان اهمیت قرآن از جدش نقل می کرد:

اگر خداوند نعمت بهره وری از قرآن را به کسی عنایت کرده باشد و وی گمان برد چیزی بهتر از آن به دیگری

داده شده است، حتماً مطلب بزرگی را کوچک و کوچکی را بزرگ شمرده است. ۲

قرآن را عامل بهبودی بیماری های روحی کسی می دانست که به آن گوش جان بسپارد و محتوای آن را پذیرفته

باشد. ۳

آن را به گنجینه ای تشبیه می کرد که هرگاه گشوده می شود، سزاوار است با دقت به [زیبایی ها و محتوای ژرف]

آن نگریسته شود. ۴

بخشی از نیایش های سبزش درباره ی قرآن و بهره مندی از آن چنین بود:

خداوندگار! بر محمد و خاندانش درود فرست و در تاریکی های شب، قرآن را همدم ما قرار ده؛

ما را با آن از فریب ها و وسوسه های شیطان حفظ کن؛

با قرآن گام های ما از رفتن به سوی سرکشی باز دار؛

و زبان های مان را از فرو غلتیدن در باطل - بدون تحمل زیان و آفت - لال کن؛

.. با آن، پرده های غفلت را از دل ما برای عبرت پذیری پاره کن؛ تا شگفتی هایش را بفهمیم و دل ما را از حکمت ها و مثال هایش پند ده. ۵

قرآن را، قانون اساسی احکام دینی می خواند. ۶

از خدایش می خواست با [خواندن و عمل به فرامین] قرآن، دشواری جان کندن و سختی ناله کردن در آن هنگام بر وی آسان شود. ۷

تفسیر و تبیین مفاهیم آسمانی آیه ها، هدف حضرت است برای آشنایی مردم با حرف های پروردگار:

در تفسیر آیه ی شریفه ی: و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب، لعلکم تتقون^۸، [یعنی: و برای شما در قصاص، زندگانی است ای خردمندان؛ باشد که پروا پیشه کنید.] می فرمود:

«و برای شما» یعنی مسلمانان «در قصاص زندگانی است.» یعنی کسی که تصمیم به قتل کسی می گیرد، اگر بداند قصاص خواهد شد، از این تصمیم بر می گردد و دست از کشتن می کشد؛ پس این کار او، باعث زنده ماندن خودش، زنده ماندن کسی که قرار بود کشته شود و زنده ماندن مردمانی می شود که می دانند اگر کسی را بکشند خود نیز قصاص و کشته خواهند شد. منظور از «خردمندان»، صاحبان اندیشه اند و «باشد که پروا پیشه کنید»، یعنی چه بسا شما [با این تذکر خداوند] به راه صحیح برگردید و از پروردگار پروا کنید.

مردی نزدش آمد و گفت: «آیا تو علی بن الحسین هستی؟»

فرمود: «آری.»

گفت: «پدر تو کسی است که مؤمنان را کشته است.»

امام فرمود: «وای بر تو! چگونه با این قطعیت می گویی پدر من مؤمنان را کشته است؟»

گفت: «به دلیل گفتار خودش: إِخْوَانُنَا قَدْ بَغَوُا عَلَيْنَا فَقَاتَلُونَاهُمْ عَلَى بَغْيِهِمْ؛ «برادران مان بر ما ظلم کردند و ما در قبال ستم شان با آن ها جنگیدیم.»

امام فرمود: «وای بر تو، آیا قول خدای تعالی را نخوانده ای که می فرماید:

"و به سوی قوم ثمود نیز برادرشان صالح را فرستادیم، که خدای یگانه را بپرستید." ۹

آیا این پیامبران، برادران دینی قوم شان بودند یا از قبیله ی یک دیگر بودند؟»

آن شخص گفت: «برادران قبیله ای بودند.»

امام فرمود: «پس می توان گفت (دشمنان امام حسین(ع) نیز) برادران قبیله ای بودند نه برادران دینی».

آن مرد گفت: «خدا گره از کار تو بگشاید چنان که عقده ی دل مرا گشود.» ۱۰

کسی گفت: «ای فرزند رسول خدا(ص) چرا خداوند بازماندگان مردم ستمگر را به گناهان پیشینیان مؤاخذه می کند، در حالی که خود [در قرآن] می فرماید:

و هیچ گرانباری [از گناه] بار گران [گناه] دیگری را بر نمی دارد. ۱۱

امام فرمود: «قرآن به زبان عربی نازل شده و در میان عرب دیده می شود که مرد تمیمی می گوید: "أَعْرُنَا عَلِي قَوْمِ فَلان؛ بر فلان قبیله یورش آوردیم" و حال آن که پیشینیان این کار را انجام داده اند نه خود آن ها. و عربی دیگر می گوید: "ما با فلان قبیله فلان کار را انجام دادیم، ما آل فلان را دشنام دادیم، ما فلان شهر را خراب کردیم".

در تمام این موارد افتخار می کنند که قوم شان این کارها را انجام داده اند، نه این که خودشان مباشر این امور باشند.

قول خداوند هم در قرآن که بازماندگان را توبیخ کرده به دلیل آن است که این ها به اعمال زشت گذشتگان خود راضی اند و به آن افتخار می کنند. از این رو می شود به آن ها گفته شود: "شما فلان کارها را انجام داده اید، زیرا نسبت به این اعمال راضی بوده اید." ۱۲

در تفسیر «ای کسانی که ایمان آورده، همگی به اسلام درآیید، و گام های شیطان را پی نگیرید، که او دشمن آشکار شماست.» ۱۳ می فرمود: «منظور از «سلم» [= صلح]، ولایت علی بن ابی طالب (ع) و گام های شیطان، پذیرفتن ولایت و رهبری غیر آن حضرت است.» ۱۴

در تفسیر آیه ی «همان خدایی که برای شما زمین را بستری گسترده» ۱۵، می فرمود:

خدای سبحان زمین را مطابق با طبیعت شما و موافق با اجساد شما قرار داد و آن را نه چنان گرم و سوزان قرار داد تا شما را بسوزاند و نه چندان سرد تا شما را منجمد کند و نه بسیار خوش بو تا سرتان را به درد آورد و نه زیاد بدبو تا باعث نابودی شما شود، و نه زیاد نرم چون آب، تا شما را در خود غرق کند و نه خیلی سخت تا برای شما استفاده از آن در ساختن خانه و بناها و آرامگاه های مردگان مشکل باشد، بلکه خداوند زمین را به مقداری که استفاده ببرید مرتفع و استوار ساخت و آن قدر که به هم مربوط شوید و بدن ها و منازل شما بر زمین قرار گیرد و قسمت هایی از زمین را برای خانه های شما و قبرهای شما و بسیاری از منافع شما رام گردانید؛ از این رو زمین را برای شما گسترده ساخت، پس خدای فرمود: «و آسمان را سقفی افراشته ساخت» ۱۶ یعنی سقفی در بالای سر

شما محفوظ داشت که خورشید و ماه و ستارگانش را برای نافع شما در آن به گردش می آورد، آن گاه خدای متعال فرمود: «و از آسمان آبی فرو بارید» ۱۷، یعنی باران را از بالا نازل می کند تا به قله ی کوه ها و بالای تل ها و تپه ها و بلندی ها و پستی ها برسد، سپس باران های کم و باران های شدید و باران های مداوم را پراکند تا زمین های شما آن را جذب کند و یک باره این باران را بر شما نازل نکرد تا زمین، درختان، زراعت ها و میوه های شما را فاسد کند. آن گاه خداوند می فرماید: «که به سبب آن پاره ای از میوه ها را برای روزی شما برآورده» ۱۸، یعنی از آن چه از زمین بیرون می آورد، روزی شما را مقدر فرمود، «پس برای خدا هیچ همتایی قرار ندهید» ۱۹، یعنی از بت هایی که نه می فهمند و نه می شنوند و نه می بینند و نه توان کاری را دارند، مثل و ماندی برای خدا قرار ندهید، در حالی که شما می دانید آن بت ها بر هیچ یک از این نعمت های ارزنده ای که پروردگار شما - تبارک و تعالی - نصیب شما کرده، توانایی ندارند... ۲۰

در تفسیر «خداست که توبه را از بندگان خود می پذیرد و صدقات را می ستاند» ۲۱، می فرمود:

من از طرف پروردگار ضمانت می کنم که صدقه در دست [بینوا] و بنده ی خدا قرار نمی گیرد، مگر آن که ابتدا در دست پروردگار واقع می شود... و همیشه می فرمود: «هیچ چیزی نیست مگر آن که فرشته ای بر آن گمارده شده است؛ جز صدقه که در دست خدای تعالی [بی واسطه] واقع می شود.» ۲۲

در تفسیر «صمد» در سوره ی توحید فرمود: «صمد به کسی گفته می شود که نگه داری هیچ چیز، او را خسته نمی کند و هیچ چیز از او پنهان نمی شود و میان تهی نیست، در نهایت سروری است که نمی خورد و نمی آشامد، نمی خوابد، آغاز و پایان ندارد».

«عاصم بن حمید» روایت کرده است که از علی بن الحسین درباره ی توحید سؤال شد، فرمود: «خدا می دانست که در آخرالزمان گروه هایی ژرف نگر به وجود خواهند آمد و به این دلیل سوره ی «قل هو الله احد» و آیات سوره ی حدید را تا «علیم بذات الصدور» نازل فرمود، پس هر کس در مقام توحید از غیر این راه برود هلاک می شود.» ۲۳

هنگامی که قرآن را ختم می کرد، چنین دست به دعا بر می داشت:

خداوند! به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی؛ .. پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، و زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آن چنان که باید، رعایت می کنند؛ و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند؛ و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۲۴

خداوند! .. به وسیله ی قرآن، تنگ دستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن؛
و به وسیله ی آن، آسایش زندگی و توسعه ی روزی های فراوان را به سوی ما سوق ده؛
و با آن، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست دور کن. ۲۵.

پی نوشت:

۱. الو مات ما بین المشرق والمغرب، لما استوحشتُ بعد ان يكون القرآن معی.

بحار الانوار ۸۹/۲۳۹.

2. قال رسول الله (ص): مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَىٰ إِنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ، فَقَدْ صَغُرَ عَظِيمًا وَعَظُمَ صَغِيرًا.

بحار الانوار ۸۹/۲۰۵؛ معانی الاخبار / ۱۹۰.

3. وجعلته .. شفء لمن أنصت بفهم التصديق إلى استماعه.

فرهنگ نامه ی موضوعی صحیفه ی سجادیه ۱/۱۰۰.

4. آیات القرآن خزائن. كلما فتحت خزانه ينبغي لك ان تنظر ما فيها.

بحار الانوار ۸۹/۲۱۶؛ الكافي ۲/۶۰۹.

5. اللهم صلّ على محمدٍ و آله؛ واجعل القرآن لنا في ظلم الليالي مونساً؛

و من نزغات الشيطان و خطوات الوسوس حارساً؛

ولا قدامنا عن نقلها إلى المعاصي حابساً؛

ولأستنا عن الخوض في الباطل من غير آفة مخرساً؛

.. ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشراً؛ حتى توصل إلى قلوبنا فهم عجائبه، وزواجر أمثاله.

صحیفه ی سجادیه موضوعی / ۳۷۶.

۶. جعلته .. قرأنا أعربت به عن شرائع احكامك.

فرهنگ نامه ی موضوعی صحیفه ی سجادیه ۲/۹۴۸.

7. هَوْنٌ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَجَهْدَ الْآنِينَ.

همان / ۹۴۹.

۸. بقره، آیه ی ۱۷۹.

9. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ.

نمل، آیه ی ۴۵.

10. زندگانی امام زین العابدین (ع)، ۴۳۹ - ۴۳۸.

11. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى.

انعام، آیه ی ۱۶۴.

12. زندگانی امام زین العابدین (ع)، ۴۴۰.

13. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

بقره، آیه ی ۲۰۸.

14. زندگانی امام زین العابدین (ع)، ۳۸۹.

15. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا.

بقره، آیه ی ۲۲.

16. وَالسَّمَاءَ بَنَاءً.

همان.

17. وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً.

همان.

18. فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ.

همان.

19. فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا.

همان.

20. تحلیلی از زندگانی امام سجاد(ع) ۲/۶۳.

21. یقبل التوبه من عباده و يأخذ الصدقات.

توبه، آیه ی ۱۰۴.

22. تحلیلی از زندگانی امام سجاد(ع)، ۶۸ - ۲/۶۷.

23. روی الامام ابوجعفر الباقر(ع) ان علی بن الحسین(ع) سئل عن الصمد فقال (ع) الصمد الذی لا شریک له ولا یؤده حفظ شیء ولا یعزب عنه شیء والذی لا جوف له والذی قد انتهی سؤده والذی لا یأکل ولا یشرب والذی لا ینام والذی لم یزل ولا یزال وروی عاصم بن حمید ان علی بن الحسین(ع) سئل عن التوحید فقال ان الله علم انه یکون فی آخر الزمان اقوام متعمقون فانزل الله قل هو الله احد والآیات من سوره الحديد الی قوله علیم بذات الصدور فمن رام وراء ذلک فقد هلك.

زندگانی امام زین العابدین(ع)، ۴۳۸.

24. اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک؛ .. فاذا افدتنا علی تلاوته وسهلت جواسی السینتنا بحسن عبارته. فاجعلنا ممن یرعاه حق رعایتته؛ ویدین لک باعتقاد التسلیم لمحكم آیاته؛ ویفزع الی الإقرار بمتشابهه وموضحات بیناته.

فرهنگ نامه ی موضوعی صحیفه ی سجاده ۳/۱۴۶۰ و ۱۴۶۱.

25. اللهم.. وأجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الإملاق؛ وسق إلینا به رغد العیش وخصب سعة الارزاق؛ وجنّبنا به الضرائب المذمومة ومدانی الاخلاق. همان